

## متن پرسش

یا اله العاصین. راه پیش رو دراز و طولانی، مقصد بجز روزنه هایی باریک نور تقریباً ناپیدا؛ «شبی چون شبه روی شسته به قیر ... نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر»، هوا مسموم و آلوده، توان از پاها رفته و سلطنت خواب چشمان را به اسارت گرفته، «نموده ز هر سو به چشم اهرمن ... چو مار سیه باز کرده دهن»، تنهایی چنگ می اندازد بیخ گلو و حس غربت را می پیچاند در تک تک سلول ها، «نبد هیچ پیدا نشیب از فراز ... دلم تنگ شد زین شب دیرباز». و این همان جهنم موعود است اما بسیار زودتر از آنچه که می پنداشتم، باتلاق منیت فرومی کشد به تباهی... و در این واپسین لحظه های نفسگیر طلسم و جادوی قدرتمند آخرالزمانی چیزی برای گفتن نیست الا اینکه: فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا، لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لَأَصْحَنَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِيْنَ، وَلَا أَضْرَحَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَضْرَحِيْنَ، وَلَا أَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِيْنَ، وَلَا نَادِيَنَّكَ أَيَّنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ، يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِيْنَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ، يَا حَبِيْبَ قُلُوْبِ الصَّادِقِيْنَ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِيْنَ.

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! و راهی که او ما را ترک نکند. اگر زندگی همان حضوری است که انسان هم‌اکنون خود را در بیکرانه وجودش به سوی او احساس می‌کند، به همان معنای احساس فقر ذاتی و فقیر الی الله بودن، هر چیزی که می‌خواهد ما را از چنین حضوری باز دارد، دشمن ما می‌باشد، حتی اگر در قالبی مقدس عرضه شود و به نام اخلاق بخواهد ما را از آن حضور و از آن زندگی محروم کند. راستی! مایه فریب ما در کجا نهفته است وقتی عده‌ای با تحجر دینی خود با زندگی دشمنی می‌ورزند؟ اینان حتی خدای را با زندگی دشمن می‌کنند. این جا است که مولایمان در دعای کمیل برای عبور از چنین تنگناهایی با خدای خود می‌گوید آنچه باید بگوید. زیرا آن حضرت به خوبی می‌دانند از چه چیزی باید عبور کنند و به چه افقی باید رجوع نمایند. موفق باشید